

## جمعه 22 خرداد 18 جمادی الثانی 12 ژوئن

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش...

### رحلت شیخ مرتضی انصاری 1281 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت: او در روز 18 ماه ذیحجه به سال 1214 هجری قمری، روز عید غدیر، در شهر قهرمان پرور دزفول از سلاله پاك یکی از اخلاف جابر بن عبدالله انصاری صحابی نامدار پیامبر اسلام (صل الله علیه وآله) پا به عرصه وجود نهاد و به مناسبت عید غدیر خم، نام مرتضی انصاری برای او انتخاب گردید پدرش شیخ محمد امین از مبلغین و مروجین شریعت مقدسه اسلام و مادرش دختر یکی از علمای محل و بانویی پرهیز کار و با تقوی در عصر خود، هر دو از اخیار و نیکان و صالحان عصر بوده اند. تحصیلات: وی از همان دوران کودکی به فرا گرفتن قرآن و معارف اسلامی پرداخت و به زودی آثار نبوغ و ذکاوت در او مشاهده گردید پس از خواندن قرآن و ادبیات عرب به خواندن فقه و اصول پرداخت و در این دو رشته، آن چنان استعداد و شایستگی نشان داد که حیرت همگان را برانگیخت و تا 20 سالگی نزد پدر خود تحصیل کرده، و آنگاه همراه پدر به عتبات رفت و از علمای وقت و اساتید بزرگ استفاده کرد آنگاه در اثر يك سلسله حوادث ناگوار، به وطن بازگشت بعد از دو سال، بار دیگر به عراق رفت و دو سال تحصیل کرد و به ایران مراجعت نمود، تصمیم گرفت از محضر علمای بلاد ایران استفاده کند عازم مشهد شد و در کاشان با حاج ملا احمد نراقی، صاحب کتاب معروف معراج السعاده ملاقات کرد و آنگاه به مشهد رفت و پنج ماه توقف، نمود شیخ انصاری سفری به اصفهان و بروجرد رفته و در همه سفرها، هدفش ملاقات اساتید و استفاده از محضر آنان بوده است، او در اوان جوانی به درجه عالیه اجتهاد نائل آمد.

اساتید: شیخ بزرگوار ما از محضر اساتید متعددی بهره جسته است که هر کدام نقش ویژه ای در روحیه او داشته اند که به بازگویی نام چند تن از آنان می پردازیم.

- 1 - عموی بزرگوارش، شیخ حسین انصاری.
- 2 - سید محمد مجاهد.
- 3 - شریف العلما مازندرانی.
- 4 - ملا احمد نراقی.
- 5 - شیخ موسی کاشف الغطا.
- 6 - شیخ علی کاشف الغطا.
- 7 - شیخ محمد حسن صاحب جواهر.
- 8 - سید صدر الدین موسوی عاملی.
- 9 - شیخ محمد سعید قرچه داغی.

شاگردان: در مکتب پر بار و حوزه پر برکت تدریسی شیخ بزرگوار، شاگردان متعددی تربیت یافتند که هر کدام از استوانه های فقهی، و مجتهدین مسلم بوده، و شاگرد مستقیم شیخ بزرگوار در زمان حیات خویش بیش از هزار تن بوده است که از میان آنان شخصیت های نامی بر جسته ای بر خاسته اند که به ذکر اسامی چند تن از آنان بسنده می نمائیم.

- 1 - میرزا محمد حسن شیرازی.
- 2 - شیخ جعفر شوشتری.
- 3 - حاج میرزا حبیب الله رشتی.
- 4 - سید حسین کوه کمری تبریزی.
- 5 - شیخ محمد حسن مامقانی.
- 6 - شیخ محمد کاظم خراسانی.
- 7 - حاج میرزا محمد حسن آشتیانی.
- 8 - میرزا ابوالقاسم کلانتر.
- 9 - حاج شیخ هادی تهرانی.
- 10 - ملا حسین قلی همدانی.
- 11 - حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی.
- 12 - شریانی.

تألیفات: آثار ارزنده و تألیفات گران سنگ و ارزشمندی از شیخ مرتضی انصاری (ره) به یادگار مانده است که هر کدام نشانی از نبوغ، اجتهاد، دانش وسیع و تحقیق دقیق آن عالم ربانی می باشد ما در این بخش به صورت اجمال به بازگویی برخی از آنها می پردازیم.

- 1 - المکاسب (فقه).
- 2 - فرائد الاصول (اصول).
- 3 - رساله ای در تقیه.
- 4 - رساله ای در رضاع و نشر حرمت آن.

- 5 - رساله ای در قضا میت.
- 6 - رساله ای در مواسعه و مضایقه.
- 7 - رساله ای در عدالت.
- 8 - رساله ای در مضاهره.
- 9 - رساله ای در ملك اقرار.
- 10 - رساله ای در تبیین قاعده لاضرر و لاضرار.
- 11 - رساله ای در خمس.
- 12 - رساله ای در زکات.
- 13 - رساله ای در خلل صلوة.
- 14 - رساله ای در ارث.
- 15 - رساله ای در تیمم.
- 16 - رساله ای در قاعده تسامح.
- 17 - رساله ای در باب حجیت اخبار.
- 18 - رساله ای در قرعه.
- 19 - رساله ای در متعه.
- 20 - رساله ای در تقلید.
- 21 - رساله ای در قطع و جزم.
- 22 - رساله ای در ظن.
- 23 - رساله ای در اصالة البرائة.
- 24 - رساله ای در مناسك حج.
- 25 - حاشیه ای بر میحث استصحاب.
- 26 - حاشیه ای بر نجاه العباد (رساله عملیه).
- 27 - کتابی در علم رجال.
- 28 - تألیفی در اصول الفقه.
- 29 - حواشی بر عوائد نراقی.
- 30 - حاشیه ای بر بغیة الطالب.
- 31 - اثبات التسامح فی ادلة السنن.
- 32 - التعادل و الترجیح.
- 33 - رساله ای در تقیه.
- 34 - رساله ای در التیمم الاستدلالی.
- 35 - رساله ای در خمس.

گفتار بزرگان :شاگرد نامدارش ،مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی در باره او می گوید : او تالی تلو مقام عصمت در علوم و اصول بود. علا مه نراقی صاحب مستند الشیعه درباره او فرموده است : استفاده ای که من از این جوان نمودم، بیش از استفاده ای بود که او از من برد، من در مسافرت های مختلف افزون بر پنجاه مجتهد مسلم دیدم که هیچ يك از ایشان مانند شیخ مرتضی نبود.

خصوصیات اخلاقی :شیخ انصاری (ره) نه تنها در فقاہت از دیگران سبقت گرفته بود، بلکه در عمل نیز نظیر و همتا نداشت در کتاب لؤلؤ الصدف چنین آمده است : اغلب عطایای آن مرحوم در خفا بوده، کتیری از فقرا معاش (حقوق) معین داشتند که همیشه سالانه و ماهانه به آنان می رسید و هیچ نمی دانستند از کجاست در وقت سحر بر در خانه فقرا می رفت با لباس میدل، و صورت را ستر می کرد و به مقدار حاجت آنها مرحمت می فرمود و چون شیخ از دنیا رفت، معلوم شد آن مردی که بر درب منازل این مردم در اوقات غیر متعارفه می آمده، آن مرحوم بوده است او انصافا روی اسلام را سفید کرد.

نوشته اند که یکی از یاران شیخ، نسبت به این کار انسانی وی (کمک به فقرا و مستمندان) از او ستایش و تمجید کرد شیخ در پاسخ گفت : این وسیله فخر و کرامتی نیست، زیرا وظیفه هر فرد معمولی است که امانت را به صاحبش برساند و این وجوه هم حقوق فقراست که به عنوان امانت نزد من می باشد و من به صاحبانش بر می گردانم. روزی شخصی خدمت شیخ رسید و گفت : ای شیخ ! شب گذشته در خواب دیدم که شیطان به سراغ شما آمد و طناب بر گردن شما انداخت و کیشان کشان شما را تا سر کوچه برد و شما در تمام مدت تلاش می کردید که هر جور شده خود را از بند وی برهانید، و بالاخره سر کوچه طناب را از گردن خود به دور افکنده و به خانه برگشتید محبت بفرمائید و مرا راهنمایی کنید که تعبیر آن خواب آشفته چه بوده ؟

شیخ با تبسمی آهسته فرمود : خدا لعنت کند شیطان را، خواب شما راست بوده است دیروز ما در خانه خرجی نداشتیم و وجوهات فراوانی نیز رسیده بود، با خود گفتم من يك دینار بر می دارم و مایحتاج زندگی را تهیه می کنم و بعدا آن را به جای خود بر می گردانم با این خیال دیناری بر داشته و به قصد خرید از خانه خارج شدم، ولی در بین راه با خود فکر می کردم که آیا این کار درست است که من کردم ؟

تا بالاخره سر کوچه که رسیدم سخت متنبه شدم و با خود گفتم : شیخ این چه کاری است که می کنی، و پشیمان شدم و برگشتم و دینار را در سر جای خود قرار دادم.

یکی از بهترین موارد بروز و ظهور و تجلی تقوی، در مسائل مالی و اقتصادی است در تقوی و صیانت نفس او، در این باره کافی است که گفته شود با آن که وجوه شرعی فراوانی از چهل میلیون شیعه روی زمین آن روزگار در نجف به محضرش آورده می شد، در عین حال او همانند يك فرد فقیر گذران می کرد و حتی اموالی را که به عنوان تحفه و هدیه به محضرش آورده می شد، بین فقرا و مستمندان یا طلاب و مصالح عمومی مسلمین صرف می کرد از آن نظر که این تحفه ها به عنوان

مرجعیت است، نه به عنوان شخص مرجع عنوان رئیس شریعت است، نه شخص رئیس.

از این نوع نکته های عبرت انگیز در زندگی شیخ فراوان وجود دارد.

مقام علمی: در عظمت علمی و نبوغ فکری شیخ مرتضی انصاری (ره) همین قدر کافی است که اطلاع پیدا نمایم تا کنون بیش از 200 نفر از علما و فضلا و دانشمندان و معارف رجال اسلامی بر کتب و نوشته های او حاشیه و تعلیقه نگاشته اند، به حدی که هم اکنون مواد غذای فکری طلاب و فضلاء حوزه های علمی و برخی از مجامع دانشگاهی و حقوقی را آثار او تشکیل می دهد.

مسافرت: او در سال 1232 هجری قمری در سن هیجده سالگی همراه پدرش به قصد زیارت عتبات عالیات به عراق مسافرت کرد و در کربلا اقامت گزید و این اقامت چهار سال به طول انجامید و بعد به موطن اصلی خود باز گشت پس از اقامت کوتاه در موطن، مجددا رهسپار نجف اشرف گردید و پس از مدتی توقف در نجف باز به دزفول مراجعت نمود.

در سال 1240 هجری قمری، شیخ تصمیم گرفت که به زیارت هشتمین اختر فروزان ولایت، حضرت امام رضا (علیه السلام) به مشهد برود، و در ضمن از حوزه علمی آن شهر نیز بازدید به عمل آورد مادر شیخ که دیگر فراق فرزند برایش میسر نبود، به این مسافرت رضایت نمی داد اصرار مادر به جایی رسید که سر انجام شیخ به قرآن متوسل شده و مسأله را به استخاره واگذاشت، و هنگامی که قرآن را باز نمود، این آیه شریفه در برابر دیدگانش پدیدار شد:

(لا تخافی و لا تحزنی انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین)، این آیه شریفه مربوط به داستان حضرت موسی (علیه السلام) و نوید پیامبری و رسالت او بود مفهوم این آیه باعث تسکین دل مضطرب مادر گشت و به مسافرت فرزندش رضایت داد.

او در این مسافرت زیارتی و علمی، از حوزه های علمی بروجرد، اصفهان و کاشان نیز دیدن کرد و در برخی از آن حوزه ها مدتی اقامت گزید پس از چهار سال اقامت در کاشان به اتفاق برادرش شیخ منصور به مشهد رسید پس از زیارت و چهار ماه اقامت در آن شهر و تماس با علما و رجال فقه و فقهات آن دیار، به تهران رفت و مدتی نیز در تهران اقامت ورزید پس از شش سال مسافرت علمی و پر بار، به اتفاق برادر به دزفول بازگشت و مورد استقبال اهالی قرار گرفت و چند سالی در آنجا اقامت گزید اما اقامت در آن شهر روح تلاشگر و کنجکاو او را قانع نمی ساخت لذا تصمیم گرفت دو باره به نجف باز گردد زیرا در آن مرکز علمی، افراد فراوانی را می توانست از علم سرشار خود بهره مند سازد، از این رو در سال 1249 هجری قمری عازم نجف گردید و به کرسی تدریس آن حوزه علمی نشست تا مرجعیت شیعه به او منتهی گردید.

لقب: بعد از صاحب جواهر مرجعیت عامه به وی منتقل یافت و بزرگانی چند شیخ انصاری را خاتم الفقها و المجتهدین لقب دادند، او از کسانی است که در دقت و عمق نظر، بسیار کم نظیر است علم اصول و بالتبع فقه را وارد مرحله جدیدی کرد او در فقه و اصول ابتکاراتی دارد که بی سابقه است دو کتاب معروف او، رسائل و مکاسب کتاب درسی طلاب شده است.

وفات: سرانجام این رجل علم و فضیلت و شخصیت عالیقدر، در سن 67 سالگی به سال 1281 در 18 جمادی الثانی، با انبوهی از مفاخر و نوشته ها و ذخائر فکری و معنوی که عموماً در خدمت به اسلام بود، به دار باقی شتافت و جهان اسلام را در سوگ خود عز ادار ساخت هنگام مرگ دارائی این زعیم عالیقدر اسلامی، معادل هفده تومان رایج آن روز بود که همان مقدار هم مقروض بوده است.

جسم مطهر و مقدسش در جوار قبر حضرت مولی الموحدین امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دفن شد و وصی گرامی او، حاج سید علی شوشتری بنا به وصیت شیخ بر جنازه او نماز گزارد.

### **دستگیری آیت الله سید محمد باقر صدر در سال 1358 هجری شمسی**

رژیم بعثی عراق اقدام به دستگیری آیت الله سید محمد باقر صدر در سال 1358 هجری شمسی نمود. زیرا وجود وی را خطر جدی برای بقای خود می دانست. به دنبال این اقدام رژیم بعثی عراق، گروه کثیری از طلاب و مردم شهرهای مختلف عراق در صحن مطهر حرم حضرت علی(ع) اجتماع کرده به این عمل غیرانسانی حکومت بعثی - صهیونیستی عراق شدیداً اعتراض کردند.

### **سالروز ارتحال زن مجتهد جهان اسلام بانو نصرت امین اصفهانی در 1362 هجری شمسی**

نصرت امین در سال 1265 هجری شمسی در شهر اصفهان چشم به جهان گشود. از چهار سالگی به مکتب خانه رفت تا به فراگیری قرآن و زبان فارسی بپردازد و این زمانی بود که در زمینه تحصیل علوم و معارف دینی بالاتر از سطح روخوانی قرآن هیچ مجال و زمینه ای برای حضور زنان نبود؛ بخصوص در سالهای 1280 به بعد که تحصیل علم برای پسران هم آسان و میسر نبود تا چه رسد به دختران.

او در سن 15 سالگی به ازدواج و همسری پسر عمویش درآمد. اما زندگی خانوادگی و تربیت فرزندان در فراگیری دانش او اثری نگذاشت و آن چنان در جهت کسب علوم دینی از خود جدیت نشان داد که موافقت و مساعدت اطرافیان بویژه همسر خویش را برای ادامه تحصیلات در علوم دینی(فقه و اصول) و زبان عربی به دست آورد. در این زمان او بیست ساله بود.

مهمترین استاد ایشان که فقه و اصول و حکمت را به وی آموخت، آیت الله نجف آبادی بود. بانو امین از زمان کودکی که اهل ذوق و تفکر و تدبیر در موجودات و آثار حق تعالی و از عشاق پروردگار کریم بود، در حین تحصیل حکمت به کشف و شهود نیز نائل می گردید و در این رابطه بهترین سند و گواه آثار تفسیری ایشان کتاب اربعین الهاشمیه و نیز نجات الرحمانیه است.

به دنبال انتشار کتاب اربعین الهاشمیه در سن 40 سالگی از سوی آیت الله حائری یزدی و آیت الله محمد کاظم یزدی و آیت الله آقا میرزا اصطهباناتی شیرازی درجه اجتهاد گرفت و پس از شرکت در آزمون علما و مراجع تقلید وقت(آیت الله شیخ عبدالکریم قمی و آیت الله آقا سید کاظم شیرازی) که شامل سواها و پاسخهای بسیاری بود.. تمامی آنها در کتاب "جامع الشتاب" آمده است . از طرف آن آیات عظام، درجه اجتهاد و قدرت استنباط احکام شرع را دریافت کرد و اولین بانوی مجتهده در جهان اسلام گردید.

دیگر تألیفات این بانوی گرانقدر عبارتند از:

"معاد یا آخرین سیر بشر"، "مخزن اللالی"، "سیر و سلوک"، یک دوره تفسیری به نام "مخزن العرفان" در 15 جلد، "روش خوشبختی"، "ترجمه اخلاق ابن مسکویه با پاورقی".

بانو امین در زمینه انتشار پاره ای از کتابهای خویش که بیشتر در ارتباط با مقامات عرفانی و سیر و سلوک بوده به سبب بد فهمیهای رایج که معمولاً در این گونه مباحث پیش می آید، بسیار محتاطانه و دقیق عمل می کردند و در بسیاری موارد اصلاً اجازه انتشار آنها را نداده اند؛ بعلاوه به سبب پرهیز از شهرت و نیز تواضع بسیاری که داشتند عموماً کتابهای خود را به نام مستعار "بانوی ایرانی" منتشر ساخته اند.

بانو مجتهده امین از آنجا که دریافته بود مجال و زمینه تعلم برای دختران تا چه حد محدود است لذا بخشی از همت بلند آن بزرگوار مصرف تأسیس مدرسه دختران شد.

در سال 1344 يك واحد دبیرستان دخترانه اسلامي در اصفهان تأسیس کرد تا زمینه تحصیل دختران در محیطي سالم به دور از آلودگیهای رایج در پاره ای محیطهای آموزشی دخترانه را فراهم آورد.

در سال 1346 اولین مدرسه علوم دینی زنان را در ایران تأسیس کرد که این سازمان در تعلیم و تعلم دینی زنان مسلمان و پرورش زنان برجسته در این زمینه سهمی شایان توجه و تقدیر داشت. همه این اقدامات حکایت از روشننگری فکر، بلندی هدف و عمق دلسوزی اش در امور زنان بود. بانو امین دانشمندی باذوق، متواضع، عارف، خوش برخورد، پرهیزگار، ساکت و کم حرف، و بدون گرایش به تجمل و تکلف و از دوستان صديق اهل بیت عصمت و طهارت بود. وجود مقدس و پرفیض آن چنان روحانی و مستغرق در عالم عرفان و معنویت بود که هر کس او را می دید مجذوب جذب معنویت ایشان می گردید و در پرتو نورانیت و نفس مطمئنه او در خود احساس شادی و روحانیت می کرد. وجود ذی وجود این زن عالمه نسیمی بود که بر جامعه زنان وزید و عامل حرکت بخش و تکان دهنده ای برای بیداری افکار خفته و پیشبرد آنان در راه تحصیل علوم دینی و کمالات معنوی و سیر الی الله شد.

بانو امین سالهای متمادی در راه تحصیل علم و مقامات معنوی زحمتها کشید و عملاً ثابت کرد که زن می تواند در محیط اجتماع، زیر پرده حجاب و باکمال عفت و تقوی و اجرای برنامه های مقدس مذهبی به تحصیل علم ادامه دهد و مقام شامخی را احراز کند و بین علم و دین پیوند برقرار سازد و علیرغم نظر کسانی که تصور می کردند حجاب مانع پیشرفت و تکامل است و یا عده ای که می گفتند زن باید از هر نوع کمال ترقی و تعالی محروم بماند و بر خلاف منطق اسلام، زن از ارزش انسانی در رسیدن به مقامات مادی و معنوی و روحانی و سیر الی الله بی بهره دانستند با خواست و آن تصورات غلط را در هم شکست.

پیشتازی در علوم عرفانی، از وی شخصیتی ساخت که فیلسوف عالیقدر معاصر آیت الله محمد تقی جعفری در مورد ایشان فرموده اند:

"باتوجه به آثار علمی که از خانم امین در دسترس ما قرار گرفته است به طور قطع می توان ایشان را یکی از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده بلکه با توجه به مقامات عالیه روحی که ایشان موفق شده اند باید ایشان را نخبه ای از دانشمندان به شمار آورد."

همچنین شخصیتهایی چون آیت الله العظمی مرعشی نجفی "ره" و مرحوم علامه طباطبایی، با توجه به مقام علمی و عرفانی خانم امین، محضر درس او را مایه فیض و افاده می دانستند.

ابتلائات و آزمایشهایی که خداوند کریم برای صیقلی شدن و خالص گردیدن روح مطهر این بنده مقربش نمود مسأله از دست رفتن فرزندان ایشان بوده است چنانکه هشت فرزندش به علل مختلف از قبیل بیماری و... از دست رفتند و تنها يك پسر برایش باقی ماند. این مصائب نتوانست خللی در عزم و اراده این یگانه بانوی مجتهد و عارف به وجود آورد و این نشانگر آن است که اگر زنان قدم در راه کمال و تعالی زند و خدا را ناظر اعمال خویش و مالک همه هستی و داراییهای خویش ببینند، حتی در فقدان فرزند نیز عنان اختیار از کف نمی دهند و متانت و صیوری که در خور انسان خلیفه الله است پیشه می سازد.

گفته اند در جنگ جهانی اول دو فرزند کوچک ایشان به فاصله چند روز فوت کردند. بدین مناسبت استادشان آیت الله نجف آبادی سه روز در را تعطیل می کنند و به خانه شان نمی روند؛ روز چهارم بانو امین به دنبال استاد می فرستند و وقتی ایشان می آیند، علت تعطیلی درس را جویا می شوند. آیت الله نجف آبادی می گویند که "من شرمم می شود که بچه تان تازه از دنیا رفته برای درس بیایم" و خانم امین پاسخ می دهند:

"من پیش خدا شرمم می شود که سه روز است چیزی نخونده ام. خدا يك چیزی به من داد خودش هم گرفت."

سرانجام این بانوی مکرمه در سن 97 سالگی در آخر شعبان 1403 ه. ق مطابق با 22 خرداد 1362 ه. ش پس از يك عمر پر برکت جان به جان آفرین تسلیم کرد و به لقالله پیوست. پیکر مطهره این بانوی مکرمه در روز دوشنبه 23 خرداد برفراز دستهای انبوه امت عزادار شهر قهرمان پرور اصفهان تشییع شد. در مراسم تشییع جنازه این بانوی اسلام که به دنبال برگزاری نماز جماعت ظهر و عصر به امامت مرحوم آیت الله خادمی رئیس حوزه علمیه اصفهان از مسجد سید این شهر برگزار شد، گروه کثیری از روحانیان و اقشار مختلف مردم شرکت کردند.

### **تحت الحمایه در آمدن مجمع الجزایر مالدیو در سال 1887 میلادی**

مجمع الجزایر مالدیو در سال 1887 میلادی به موجب قرارداد منعقد میان سلطان آن سرزمین و دولت انگلستان به صورت سرزمین تحت الحمایه انگلیس درآمد. در این کشور که ابتدا تحت سلطه پرتغالی ها و هلندی ها بود، سرانجام در سال 1965 میلادی مستقل و به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد. مالدیو با دوپست و نودو هشت هزار کیلومترمربع مساحت در جنوب سواحل هند واقع است واز بیست هزار جزیره مرجانی تشکیل شده که تنها دوپست و پانزده جزیره آن مسکونی هستند. معروفترین این جزایر، جزایر مال نام دارد که کمی جنوبی تر از کانال «کاردیوا» واقع است.

چون این جزایر به خط استوا نزدیکند و در آبهای اقیانوسهند محصورند، آب و هوای گرم و مرطوب دارند.

در قرون اولیه هجری، آئین اسلام توسط بازرگانان عرب باین سرزمین راه یافت. در قرن چهارم هجری این بطوسه سیاح مسلمان به مالدیو آمد و گزارشی از این ناحیه ارائه داد. در اوایل قرن شانزدهم با گسترش نفوذ پرتغالی ها در آسیا، مالدیو نیز جزء نواحی مورد تصرف آنان درآمد. در قرن هفدهم میلادی که هلندیها بر آن استیلا یافتند، مالدیو بخشی از سری لانکا بود. بعد مالدیو به تصرف انگلستان و فرانسه درآمد و در قرن نوزدهم با وجود سلطه انگلستان بر آن، حکومت نیمه مستقل سلطنتی بر آن حاکم بود. انگلستان در سال 1948م به مالدیو خود مختاری داد و در سال 1953م نظام سلطنتی آن ملغی و نظام جمهوری جایگزین آن گردید. مالدیو در سال 1965م مستقل شد. این کشور به لحاظ درآمد سرانه یکی از عقب افتاده ترین واحدهای سیاسی جهان است.

آخرین تقسیمات کشوری آن شامل 19 بخش است که زیر نظر يك کمیته منتخب مردم به ریاست مامور دولت مرکزی اداره می شود. 212000 نفر سکنه دارد که 30% آن زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت 3/4% و تراکم نسبی آن 711/4 در کیلومتر مربع است. مردم آن از نژاد دراویدی، سینهایلی و عرب هستند. زبان رسمی آن دیوهی است و اکثراً مسلمان و سنی مذهبند. اقتصاد آن بر ماهیگیری، کشاورزی و پذیرایی از کشتی های کشورهای جهان استوار است. واحد پول آن روپیه مالدیو می باشد که برابر با 100 دلاری است.

### **فروش جزایر فیلیپین به آمریکا در سال 1898 میلادی**

در پی شکست ناوگان دریایی اسپانیا از آمریکا، جزایر فیلیپین در مقابل بیست میلیون دلار به آمریکا فروخته شد. اندکی بعد این کشور توسط ژاپن تصرف شد و در سال 1945 میلادی مجدداً به استقلال دست یافت. اما حکومت آن توسط عمال آمریکایی اداره می شد. در سال 1947 میلادی این کشور پیمانی نود و نه ساله با دولت آمریکا امضاء کرد که به موجب آن آمریکا بیست و سه پایگاه استراتژیک نظامی در سراسر فیلیپین ایجاد کرد. این پیمان بعدها به يك پیمان بیست و پنج ساله تغییر نمود.